

## واکاوی علل خیزش کردها در زمان آتاتورک و تأثیر آن بر روابط تهران-آنکارا

مجید رادفر<sup>۱</sup>

حمید رنجبر آزاد<sup>۲</sup>

محمد تقی امامی خوئی<sup>۳</sup>

### چکیده

خیزش کردهای ترکیه علیه دولت این کشور در نیمه اول دهه ۱۳۰۰ش. به یک بحران خطرناک برای دولت ترکیه تبدیل شد و دولت ترکیه در راستای سرکوب کامل شورشیان، تلاش‌های بسیاری کرد. آتاتورک که برای پیشبرد تفکرات غربی خود، احتیاج به آرامش و از بین بردن هرگونه مدعی داشت، با تفکر پان‌ترکیسم دست به سرکوب کردها زد و همراهی و همکاری دولت ایران را به دلیل همسایگی و وجود کردها در ایران به دست آورد. شورش کردها امنیت و تمامیت ارضی ایران را به دلیل هم‌مرز بودن با ترکیه در معرض تهدید قرار می‌داد و بر اختلافات ارضی بین ایران و ترکیه تأثیر می‌گذاشت. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: دلایل شکل‌گیری خیزش کردهای ترکیه چه بود؟ شورش کردهای ترکیه چه تأثیری بر روابط تهران-آنکارا داشته است؟ در بررسی تاریخ روابط ایران و ترکیه متوجه می‌گردیم که این دو کشور تحت تأثیر فرایندها اصلاحات جهانی از یک سو و نیز حضور دو قدرت بزرگ انگلیس و روسیه در منطقه، در کل اوضاع داخلی و خارجی مشابهی را تجربه می‌کردند و در مواردی از اوضاع یکدیگر متأثر بودند؛ به ویژه تأثیرپذیری ایران از روند تحولات و اصلاحات در ترکیه به تبع متأثر شدن برخی مقامات ایرانی در زمان پهلوی از این روند، در شکل‌گیری روابط فیما بین نقش قابل توجهی داشت.

### واژگان کلیدی:

ایران، ترکیه، تهران، آنکارا، پهلوی، آتاتورک، روابط، اختلافات مرزی، خیزش کردها، واکاوی علل.

درجه مقاله: علمی- ترویجی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۲/۱۳ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۰

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی و دبیر تاریخ، تهران- ایران (نویسنده مسئول) radfarmajid9@gmail.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد تاریخ جهان، تهران- ایران hamid.ranjbar@gmail.com

<sup>۳</sup> دانشیار تاریخ ایران دوره اسلامی واحد شهرری- دانشگاه آزاد اسلامی، شهرری- ایران Dr\_mtemami@yahoo.com

## مقدمه

شورش کردها در ترکیه به قیام‌های ناسیونالیستی آنها در ترکیه اشاره دارد که از جنگ استقلال ترکیه و کمی قبل‌تر در دوره امپراتوری عثمانی آغاز شده بود و بر اساس سوابق نظامی عثمانی، شورش کردها بیش از دو قرن در آناتولی در جریان بوده است. با فروپاشی امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، مصطفی کمال پاشا توانست قدرت را در دست بگیرد و در سال ۱۳۰۲ ش. جمهوری ترکیه را تأسیس نماید. کمالیست‌ها با تثبیت تدریجی خود، بیشتر به حقوق دموکراتیک مردم به‌ویژه حقوق کردها و ارمنی‌ها حمله کردند و به‌دنبال ایجاد کشوری با ملیت، زبان و فرهنگ واحد، آن‌هم در سرزمینی با ملیت‌ها، زبان و هویت‌های مختلف بودند (دهنوی، ۱۳۸۶: ۴۴). در نتیجه آنان مسیر انکار و فشار بر دیگر هویت‌ها از جمله کردها را در پیش گرفتند؛ روندی که واکنش کردها را برانگیخت و باعث شد که دست به شورش و مبارزات مختلف و دامنه‌داری بزنند. در ترکیه نوین، غیرترک بودن و علوی بودن بیش از حکومت عثمانی جرم محسوب می‌شد تا جایی که در سال ۱۹۲۴ م. اعلام شد نباید برای هر اقلیت غیرترک، حقوق اجتماعی قائل شد. این در حالی بود که اقلیت‌هایی مانند کردها در جنگ با شوروی از خود رشادت‌های فراوانی نشان دادند، اما برای نادیده گرفتن قومیت و نژاد، از آنها به عنوان ترک کوهستانی یاد می‌شد. آتاتورک معتقد بود که وحدت و ثبات یک کشور در یک هویت سیاسی واحد قرار دارد و باعث تمایز فرهنگی و قومی در حوزه خصوصی می‌شود. در پی تبعیضی که آتاتورک میان اقوام مختلف ایجاد کرده بود، شورش‌هایی توسط کردها در ترکیه ایجاد شد که سبب مشکلاتی برای آتاتورک شد. در این شورش‌ها هر کدام از کشورهای اروپایی مواضع مختلفی داشتند و تا زمانی که به نفع آنان بود، از آتاتورک حمایت می‌کردند و هر زمان که به ضررشان بود، از کردها حمایت می‌کردند (فرجی، ۱۳۹۱: ۲۰). این شورش‌ها به‌دلیل وجود کردها و هم‌مرز بودن ایران با ترکیه، بیشترین تأثیر را بر ایران داشت، همچنین تأثیرات مستقیم بر روابط دو کشور برجای می‌گذاشت و حتی سبب واگذاری بخشی از ایران به ترکیه شد. بعد از جنگ جهانی اول، روابط دو کشور ایران و ترکیه دستخوش تحولات جدیدی شد. پس از حل‌وفصل اختلافات مرزی دو کشور در سال ۱۹۱۳ م. عثمانی‌ها در طول جنگ، چند بار توافقات مرزی به‌عمل آمده در سال ۱۹۱۳ م. را نقض کرده و به قلمرو ایران تجاوز نمودند و حتی بخش‌هایی از مناطق غربی کشور را به اشغال خود در آوردند، اما پس از جنگ و به‌دنبال تحولاتی که در دو کشور به وقوع پیوست، به‌ویژه با فروپاشی عثمانی و تأسیس دولت جدید ترکیه، مرحله

نوینی در روابط میان دو کشور آغاز شد. در این مقطع، اگر چه مسائل موجود در روابط، کم‌وبیش همان موارد گذشته بودند، اما به لحاظ اهمیت، موضوعات جدیدی همچون مسأله کردها و شورش آنان در مناطق شرق و جنوب شرق ترکیه و نیز تجدید حرکت‌های پان‌ترکیستی در منطقه که ریشه در اواخر قرن نوزدهم داشتند، مطرح بود (استادوخ: ۲۰، ۱۳۰۴ش). احساسات ناسیونالیستی در منطقه از اواخر قرن نوزدهم میلادی به اوج خود رسید و با ورود به قرن بیستم، به تدریج اندیشه ناسیونالیستی در میان ترک‌ها و کردهای ساکن در منطقه، ابعاد گسترده‌تری یافت. کردهای ترکیه پس از آنکه متوجه شدند که تمام وعده‌های مصطفی کمال مبنی بر رعایت خواسته‌های آنها بی‌اساس بوده است، از سال ۱۳۰۴ش. حرکت‌های شورشی و استقلال‌طلبانه خود را آغاز کردند. در فاصله سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۰۶ش. بخشی از عشایر کرد ترکیه که در خلال رویارویی پیشین کردها و دولت نوپای مصطفی کمال در سال ۱۳۰۴ش. سرکوب نشده بودند و در منتهی‌الیه قسمت شرقی قلمرو ترکیه در ارتفاعات آزارات مستقر بودند، سر به شورش برداشتند (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۶۰۰). این شورش در آن مقطع، تأثیرات قابل‌توجهی در روابط ایران و ترکیه برجای گذاشت و به حدی بود که در مقاطعی روابط دو کشور کاملاً در وضعیت بحرانی قرار گرفت. این شورش با دوره‌ای از مناسبات ایران و ترکیه توأم شد که هر یک از دولت‌های نوپای پهلوی و کمالی سعی داشتند تا مبنای جدیدی را در روابط خود و بر پایه‌ای متفاوت با سبک و سیاق گذشته پی‌ریزی کنند. در ادامه پژوهش حاضر، این شورش‌ها و تأثیر آنها بر روابط دو کشور و مسئله مرزهای غربی کشور بررسی خواهند شد (بیات، ۱۳۷۴: ۵۵).

### پیشینه پژوهش

در باب روابط ایران و ترکیه تألیفات و پژوهش‌های بسیاری در دست است، اما از علل خیزش کردها و تأثیر این خیزش بر روابط تهران و آنکار کمتر سخن به میان آمده است. کاوه بیات (۱۳۷۴) در کتاب «شورش کردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران به روابط ایران و ترکیه و نقش کردها و تأثیر آنها بر روابط خارجی و مرزی دو کشور پرداخته و سپس به اختلافات مرزی بین دو کشور و همچنین شورش آزارات پرداخته است. مهدی فرجی (۱۳۸۵) در مقاله: «شورش کردهای ترکیه در آزارات و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و ترکیه» توضیحاتی در مورد شورش کردها در آزارات می‌دهد و به علل، چگونگی و گروه‌های دخیل در این شورش می‌پردازد. محمدعلی بهمنی قاجار (۱۳۹۰) در کتاب «تمامیت ارضی

ایران؛ سیری در تاریخ مرزی ایران» با استفاده از منابع متنوع به بررسی وقایع پرداخته و در مورد خیزش کردهای ترکیه و کمیسیون‌های مرزی ایران و ترکیه بحث کرده است. اما از سندهای چاپ‌شده و اسناد آرشیوی موجود در سازمان‌ها و ادارات استفاده نکرده است. مهدی فرجی (۱۳۹۱) در مقاله «بررسی مسائل ارضی ایران و ترکیه در دوره رضا شاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.)» به مسائل مرزی بین دو کشور ایران و ترکیه در دوره پهلوی اول می‌پردازد و اشارات مختصری به مسئله آغری‌داغ کوچک (کوه آرات) می‌کند. همچنین توضیح کوتاهی در مورد عهدنامه‌های مرزی سال ۱۳۱۰ ش. و واگذاری منطقه آرات و تعیین سرحد ایران و ترکیه می‌دهد و مسائل کلی آن را بررسی می‌کند. با توجه به این پیشینه، تاکنون پژوهشی مستقل با رویکرد تاریخی و تحلیلی در زمینه علل خیزش کردها و تأثیر این خیزش بر روابط تهران و آنکار صورت نگرفته است.

### فرایند شکل‌گیری شورش کردها

کردها فرایند تأثیرگذاری بر ترکیه را با آغاز سیر مبارزات خود بر محور مطالبات قومی آغاز کردند؛ فرایندی که شاید بتوان اوج آن را در سال ۱۹۲۷ م. با تشکیل جمهوری آرات در ترکیه دانست. در آن زمان، ترکیه در آستانه فروپاشی مطلق و تبدیل شدن به ترکستان غربی قرار داشت. آستانه‌ای که ترک‌ها با خشونت تمام مسبب آن یعنی جامعه روشنفکر گرد و خاندان بدرخانین را در هم کوبیدند. برای بررسی تحولات جامعه گرد ترکیه بر تحولات این کشور باید تصویر کلی از مسیر مبارزات کردها علیه ترک‌ها و نقطه آغاز آن ارائه داد. مناطق گردنشین در اصل متعلق به ایران بودند، اما با شکست ایران از عثمانی‌ها در جنگ چالدران، بخش اعظم آن به امپراتوری عثمانی واگذار شد. در حقیقت، اولین برخورد جامعه گرد با ترک‌ها در قالب رابطه محکوم و حاکم بود. این دوره، تنها زمانی بود که حالت نزاع قومی نداشته است؛ چرا که در آن بازه زمانی بسیار کوتاه، کردهای سنی که از حکومت شیعه صفوی به حکومت سنی عثمانی واگذار شده بودند، فکر می‌کردند که قرابت مذهبی با حکام جدید باعث پیشرفت و آسایش آنان می‌شود. «با استمرار حکومت عثمانی، کردها پس از اندک زمانی پی بردند که سلاطین عثمانی به دنبال ترکیزه کردن اکراد جامعه خود هستند و بالاخص تلاش می‌کنند تا کردها را از مذهب شافعی به مذهب حنفی در بیاورند. با این وجود، حکومت عثمانی شاهد یک فرایند سازمان‌یافته قیام کردی علیه خود نبود؛ زیرا کردها در آن دوران ساختاری بسیار پراکنده و متفرق داشتند» (بلو، ۱۳۷۹: ۱۰۰).

کردها در دوران عثمانی از جمله در بین کوهستان‌های بلند اربیل، قنبدیل و دیاربکر محصور بودند و این مسئله باعث دورافتادگی آنها از همدیگر و مانع ایجاد فرایند سازمان‌یافته قوم‌گرایانه در بین اکراد می‌شد. اگر چه دوره عثمانی، زمانی بود که قیام‌گردی به خود ندید، اما این مسئله به معنی فقدان نهضت‌گردی در عصر عثمانی نبود. نخستین حلقه‌های روشنفکری‌گردی در این عصر پدید آمدند و طبقه‌ای از کردهای اشرافزاده در این دوره، نخستین مجله‌گردی را با نام "کردستان" در سال ۱۸۹۸م. توسط بدرخان بیگ چاپ کردند و نخستین حزب‌گردی نیز در عصر عثمانی تشکیل شد. حزب اتحاد و ترقی که خاستگاه ملی‌گرایانه‌گردی داشت، در سال ۱۸۸۹م. تشکیل شد. «کردها در سال ۱۹۰۸م. جمعیت تعالی و ترقی کردستان را بنیان نهادند و متعاقب آن، تفکر اجتماعی دیگری را با عنوان جمعیت‌گرد تأسیس کردند. حد فاصل سال‌های ۱۹۰۸-۱۸۸۹م. را می‌توان عصر طلایی جامعه اکراد ترکیه نامید، زیرا نخبگان جامعه‌گرد ترکیه با استفاده از مشغولیت عثمانی‌ها در جنگ با اروپا و درگیری با مسائل داخلی توانستند محکم‌ترین قدم‌های خود را برای ایجاد دولت مدنی اکراد ترکیه بردارند» (احمد، ۱۳۸۰: ۱۰۵).

با تجزیه امپراتوری عثمانی، نخستین حرکت مسلحانه کردها علیه ترک‌ها شروع شد و یکی از مهمترین موارد آن، شورش یزدانشیر امیر یونان علیه حکام عثمانی بود. پس از آن، معاهده سور منعقد شد که به دنبالش، ایجاد دولت کردستان در خاک امپراتوری عثمانی رسمیت می‌یافت؛ رسمیت‌یافتنی که باعث راسخ شدن اراده کردها در مبارزات آتی خود شد. هر چند این پیمان عمری نداشت و پس از مدتی معاهده لوزان جایگزین آن شد. «در همان دوران بود که گروه ترکان جوان به رهبری مصطفی کمال پاشا فرماندهی جنگ‌های استقلال ترکیه را به‌دست گرفتند و مسیر آینده ترکیه و کردهای این کشور را تغییر دادند. آتاتورک که دغدغه‌های جامعه اکراد را می‌دانست، با دادن وعده به رهبران آنها، نیروهای‌گرد را تبدیل به ماشین سرکوب خود در جنگ اعراب و یونان کرد. اما پس از آنکه آتاتورک قدرت را به‌دست گرفت و پیروان نهضت کمالیسم بر تمام ارکان قدرت مسلط شدند، ترک‌ها با تکیه بر معاهده جدید لوزان، تنها حقوق اقلیت‌های مذهبی را به رسمیت شناختند و با ادعای اینکه کردها برادر مذهبی ترک‌ها هستند، کردها را به‌عنوان اقلیت به رسمیت نشناخته و تمامی مظاهر‌گردی از جمله زبان و پوشش را ممنوع ساختند. اقدام آتاتورک که از منظر ترک‌ها نماد ناسیونالیسم ترکی است، همچون تیر خلاص، امکان اجماع پان‌ترکیست با ملی‌گرایی‌گردی را به‌گور سپرد؛ این خاکسپاری موجب شکل‌گرفتن اولین دوره جنگ

مسلحانه ترکی-کردی طی سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۲۴م. و وقایعی همچون شورش سعید پیران، واقعه درسیم و قیام آرازات شد. با وجود اینکه دولت مرکزی همه این شورش‌ها را با خشونت تمام سرکوب کرد، اما از پس اطفای آتش زیر خاکستر آن برنیامد و مسئله کردستان به بحران همیشگی جمهوری ترکیه تبدیل شد» (کینان، ۱۳۹۸: ۵۸).

### شورش سعید پیران در سال ۱۹۲۵م.

نخستین کوشش جدی و چشمگیر کردها جهت سازماندهی خود پس از پیروزی قطعی مصطفی کمال از اواخر سال ۱۹۲۲م. آغاز شد. این شورش در سال ۱۹۲۵ م. در کردستان ترکیه از سوی کردها برای حفظ حقوق ملی خود که از سوی آتاتورک انکار می‌شد، صورت گرفت. شیخ سعید پیران رهبر قیام بزرگ کردها علیه آتاتورک بود که اقدام او در تاریخ کردها به شورش شیخ سعید مشهور است. مرکز این شورش، اکثر مناطق کردنشین از جمله دیاربکر، درسیم و مارتینو در کردستان ترکیه بود و سیاست ضدکردی شدیدی در سال‌های اول تأسیس جمهوری ترکیه وجود داشت. مصطفی کمال پاشا در ۱۴ ژانویه ۱۹۲۳م. در اسکی‌شهر به دو موضوع مهم از جمله موضوع ولایت موصل و مسئله کردستان ترکیه پرداخت. او معتقد بود که انگلیسی‌ها می‌خواهند در آنجا یک کشور کرد ایجاد کنند و اگر این کار را انجام دهند، این افکار به کردهای داخل مرزهای ما نیز سرایت می‌کند و برای جلوگیری از این مسئله، باید از مرز جنوبی عبور کنیم. در معاهده سور برای کردها حقوق در نظر گرفته شده بود و، نخست‌وزیر انگلیس در ۱۹ مه ۱۹۲۰م. در کنفرانس سن ریمو گفت که کردها نمی‌توانند بدون داشتن یک دولت بزرگ بعد از عثمانی زنده بمانند، وی همچنین در مورد سیاست انگلیس در قبال منطقه گفته بود که پذیرش کردستان برای همه طرف‌ها و دولت ترکیه باید مورد قبول واقع شود. اما بعد از مدتی ترک‌ها، دولت انگلیس را قانع کردند که در صورت تشکیل کردستان، تأمین منافع انگلیس در ولایت موصل و در مناطق دیگری که کردها در آن زندگی می‌کردند، دشوار خواهد بود. دولت ترکیه، جهت حل اختلاف موضع تشکیل کردستان و ولایت کردنشین موصل در کنفرانس لوزان به مذاکرات دوجانبه با انگلیسی‌ها پرداخت. آنها در مورد تشکیل نشدن کردستان مستقل به اجماع رسیدند، اما در مورد ولایت موصل به نتیجه‌ای نرسیدند. بنابراین، تصمیم گرفته شد که موضوع به جامعه ملل ارجاع داده شود؛ هر چند در ۶ اوت ۱۹۲۴م. جامعه ملل به نفع انگلیس رأی داد و انگلیسی‌ها برنده پرونده ولایت موصل شدند. در سال ۱۹۲۳م. حقوق کردها در پیمان لوزان

نادیده گرفته شد و کردها ناامید در سال ۱۹۲۵م. به رهبری شیخ سعید پیران به مبارزه مسلحانه همه‌گیر روی آوردند (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۴۶).

شورش اصلی در سال ۱۹۲۵م. در منطقه کردستان ترکیه که با رهبری شیخ سعید بود، سرکوب و تجاوزگری سکولاریسم کمالیستی را به دنبال داشت و تمام مظاهر عمومی هویت کُرد غیرقانونی اعلام گردید که این اقدام، کردها را برای شورش بیشتر آماده کرد. قیام شیخ سعید در فوریه ۱۹۲۵م. آغاز شد تقریباً از ۱۵۰۰۰ مبارز که در شورش علیه ۵۲۰۰۰ نظامی ترکیه شرکت کردند، همه قبایل اصلی کُرد در آن شرکت داشتند. این قیام که از مناطق زازا شروع شد، بیشتر قسمت‌های استان‌های کردستان را در بر گرفت. این شورش، اولین شورش گسترده جنبش نژادی کُرد در ترکیه بود و سازمان‌دهنده اصلی این شورش، انجمن آزادی کردستان بود. هدف انجمن آزادی این بود که کردها را از ظلم و ستم ترکیه آزاد کند و در نتیجه آزادی و توسعه کشور خود را تحقق بخشد. در مارس ۱۹۲۵م. شورش تقریباً پایان یافت و شیخ سعید و سایر رهبران شورشی تا ۲۹ ژوئن به دار آویخته شدند. در پاییز سال ۱۹۲۷م. شیخ عبد الرحمن، برادر شیخ سعید مجموعه‌ای از حملات به پادگان‌های ترکیه را در پالو و مالانیا آغاز کرد. آنها همچنین، ارتفاعات جنوب ارزروم را اشغال کردند. ارتش ترکیه با استفاده از پنج هواپیما در ماردین از نیروی هوایی علیه شورشیان استفاده کرد. در اکتبر ۱۹۲۷م. شورشیان کُرد به بایزید حمله کردند و آن را اشغال کردند. برادر شیخ سعید با حمله به چندین پایگاه ارتش در کردستان، سعی در انتقام از دولت ترکیه داشت. آن‌ها پس از ورود نیروهای کمکی ترکیه از منطقه رانده شدند و این شورش با شکست روبرو شد (بلو، ۱۳۷۹: ۴۶-۴۵).

### شورش آرارات در فاصله سال‌های ۱۹۳۰-۱۹۲۷م.

در مرداد ماه سال ۱۹۲۷م. کنگره‌ای در شهر بحمدون لبنان با شرکت عده‌ای از سرشناس‌ترین رهبران کُرد و نمایندگان از همه جمعیت‌ها و سازمان‌های سیاسی کُرد برگزار شد. در این کنگره تصمیم گرفته شد که همه سازمان‌های شرکت‌کننده منحل شوند و به‌جای آن، یک سازمان واحد به نام خوبون با هدف نهایی آزادسازی کردستان ترکیه تشکیل شود. رهبری این جامعه را گروهی از روشنفکران و افراد وابسته به بزرگ‌ترین خانواده‌های فئودال کُرد در دست داشتند (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۱-۱۷۰). احسان نوری پاشا برای سازماندهی و فرماندهی نظامی

جنبش تعیین شد، او که اهل بتلیس<sup>۱</sup> و از افسران سابق ترک بود، در سال ۱۹۲۷م. به‌عنوان نماینده انقلابیون اگریداغ در کنگره خویبون شرکت جست و پس از آنکه در آنجا مأموریت ایجاد یک کانون مبارزه مسلحانه به وی واگذار شد، به‌علت آشنایی با منطقه و نیز مساعد بودن وضع جغرافیایی، آرات را برای این منظور انتخاب کرد.

در مورد علل سیاسی انتخاب این محل به‌عنوان کانون جنبش می‌توان به این موارد اشاره کرد؛ تشویق ارمنی‌های داشناک در این انتخاب تأثیر مهم داشت، زیرا آرات از یک سو در مجاورت ارمنستان شوروی قرار گرفته است که داشناک از سال ۱۹۲۰م. از آنجا رانده شده بود و هنوز هم خیال آزاد کردن آن را داشت. از سوی دیگر، این منطقه در مرز ایران قرار داشت و آرات کوچک، جزو خاک ایران به‌شمار می‌آمد. ایران در آن زمان به‌خصوص تبریز، مرکز اساسی فعالیت داشناک بود و از آنجا می‌توانست قیام‌کنندگان آرات را از نظر اسلحه و تجهیزات یاری دهد. در این تاریخ، رضا شاه که به‌تازگی در ایران به سلطنت رسیده بود، با انگلیسی‌ها که وی را در رسیدن به قدرت کمک کرده بودند، روابط ویژه‌ای داشت. این امر سبب شده بود که هم با داشناک به مدارا رفتار کند و هم با اظهار همدردی با کردها، حکومت ترکیه را در حال تهدید و ترس نگه دارد. به‌علاوه به‌تازگی از دست مبارزه طولانی با سمکو رهایی یافته بود و به هیچ وجه مایل به تحریک مجدد کردها و ایجاد یک کانون آشوب و ناراحتی دیگر نبود. در نتیجه روابطی با رهبران کرد ترکیه برقرار کرد و قول تسلیحات نظامی به جنبش آرات به‌طور مستقیم و از طریق داشناک داده بود. بدین ترتیب هم مقاصد سیاسی خود که نسبت به ترکیه و شوروی مشابه بریتانیا بود را اعمال می‌کرد و هم مانع ایجاد جنبش در بین کردهای ایران می‌شد و بر جریان جنبش آرات کنترل و نظارت نیز می‌نمود» (شرفکندی، ۱۳۹۲: ۱۴۷-۱۴۶).

در رابطه با شوروی می‌توان اشاره کرد؛ این کشور که پس از امضای قراردادهای دو جانبه با ایران و ترکیه در سال ۱۹۲۱م. از پشتیبانی جنبش‌های ملی پرهیز می‌نمود، نزدیکی جنبش آرات با ارمنی‌های داشناک را به هیچ وجه نمی‌توانست تحمل کند. از همین رو، بسیار طبیعی به نظر می‌رسید که در سال ۱۹۳۰م. و در اوج جنگ‌های آرات، شوروی که سرگرم سرکوب جنبش ناسیونالیستی در ارمنستان شوروی بود، مرز خود را با ترکیه در کناره رود ارس به کلی مسدود کند و از ارسال هرگونه کمک کردها و ارمنی‌های شوروی به جنگجویان آرات جلوگیری نماید و اعلام دارد که در پشت پرده زدوخوردهای کوه آرات،

۱. بتلیس یا بدلیس یکی از شهرهای ترکیه و مرکز استان بتلیس و از شهرهای قدیمی ترکیه است.



دوباره دست امپریالیسم بین‌المللی پیداست و در صدد ایجاد یک دیوار آهنین به دور شوروی است. با توجه به آنچه گفته شد، «هر دو علت سیاسی انتخاب آراارات به عنوان کانون جنبش مسلحانه یعنی استفاده از همکاری ارمنیان ناسیونالیست داشناک و همدردی و یاری حکومت ایران اشتباه و این اقدام، سرانجام یکی از عوامل مهم شکست جنبش گردید» (اندجانی و ساسونی، ۱۳۹۴: ۴۷).

در ابتدا فعالیت‌های احسان نوری پاشا و همکاری وی با جنبش، موفقیت‌آمیز بود. در سال ۱۹۲۸م. شمار افراد تحت فرمان وی که به‌خوبی تجهیز شده و تعلیم دیده بودند، به چندین هزار نفر رسید. به موازات رشد سازمان نظامی، یک سازمان اداری هم با نظارت ابراهیم پاشا در مناطق تحت کنترل پیاده گردید، پرچم‌گرد برافراشته شد و جمهوری کوچک آراارات به دنیا آمد. در سال بعد در ۱۹۲۹م. منطقه آزاد از ارتفاعات آراارات تا شمال وان و بتلیس توسعه یافت (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۱). «حکومت ترکیه که از تحریکات انگلستان و رقابت ایران و همکاری کردها و ارمنی‌ها نگران شده بود، در ابتدا سعی کرد که از راه مذاکره و وعده با جنبش آراارات مقابله نماید. احسان نوری که به‌طور مرتب به تشدید فعالیت‌های خود و گسترش حدود منطقه آزاد ادامه می‌داد، باب مذاکره را مفتوح گذاشت و از جمله تقاضا نمود که به رهبران‌گرد مهاجرت کرده، اجازه بازگشت به مناطق خودشان داده شود. این تقاضا مورد قبول واقع شد و از رهبران‌گرد، عده‌ای به جنبش ملحق شده و عده دیگر هم که محتاط‌تر بودند، به جاهای دیگر نظیر سوریه پناه بردند. چند اقدام کوچک دیگر از سوی حکومت ترکیه انجام شد، اما هیچ اقدام جدی که نشان‌دهنده شناسایی حقوق ملی کردها باشد، به عمل نیامد» (بیات، ۱۳۷۴: ۱۰۰).

حکومت ترکیه که متوجه شد، گذر زمان به نفع نیروهای‌گرد است، نزدیکی‌های نوروز سال ۱۹۳۰م. شروع به اقدامات نظامی کرد و ارتش ترک را تحت فرماندهی صالح پاشا در منطقه اقدیر<sup>۱</sup> و بایزید<sup>۲</sup> متمرکز نمود. حمله واقعی در خرداد ماه آغاز شد؛ نیروهای‌گرد به فرماندهی احسان نوری، علاوه بر اینکه به‌شدت در برابر حمله نیروهای ترک به دفاع پرداختند، بسیار گسترده پشت جبهه ارتش ترکیه به عملیات تعرضی دست زدند، با این هدف که از یک سو راه‌های ارتباطی کردها را با داخل خاک ترکیه قطع کنند و از سوی

<sup>۱</sup>. شهری در کشور ترکیه در استان ایغدیر

<sup>۲</sup>. بایزید (دوغوبایزید) شهر کوچکی در مشرق ترکیه، واقع در جنوب غربی کوه آراارات (اغری داغ یا کوه نوح) در نزدیکی

دیگر با استفاده از پشتیبانی مردم محلی، از طریق شمال و جنوب دریاچه وان به سوی دیار بکر پیشروی نمایند. به این ترتیب، جبهه‌ای به طول حدود ۱۵۰ کیلومتر از آرات در شمال تا خوشاب در شرق دریاچه وان گشوده شد. ترک‌ها که تصمیم داشتند تکلیف نیروهای گُرد مستقر در ارتفاعات آرات را از راه محاصره کامل آنها یکسره کنند، در اولین مرحله به مانع برخوردند؛ زیرا که برای انجام این کار می‌بایست از خاک ایران می‌گذشتند و برای مسدود کردن راه عقب‌نشینی به سوی ایران، در دامنه شرقی آرات کوچک مستقر گردیدند که جزء خاک ایران به حساب می‌آمد، اما مذاکرات دو دولت ترکیه و ایران در این مورد، همانطور که انتظار می‌رفت، خیلی زود به نتیجه مطلوب رسید و در اواخر مرداد ماه، نیروهای صالح پاشا وارد خاک ایران شدند و نیروهای گُرد را از پشت سر محاصره کردند. هم‌زمان با این کار، رضا شاه نیز نه تنها کمک‌های جزئی خود را به گُردها متوقف نمود، بلکه قوایی هم به منطقه فرستاد تا مانع نفوذ پناهندگان به ایران گردد (امیراحمدی، ۱۳۷۳: ۲۹۴-۲۹۳).

حمله نهایی ترک‌ها به ارتفاعات آرات، در شانزدهم شهریور ماه از ناحیه شمالی آغاز شد و سه روز بعد ارتفاعات سردار بلاغ<sup>۱</sup> که رابط بین آرات بزرگ و کوچک است، به اشغال آنها درآمد. بدین ترتیب، برای عقب‌نشینی گُردها، راهی جز جنوب باقی نماند که نتیجه آن هم در پایان، جز پراکندگی و سرکوبی به دست نیروهای ترک نبود. خود احسان نوری نیز در پائیز به ایران پناهنده شد و تا زمان مرگ در بهار سال ۱۹۷۶م. در تهران ماند. «دو شکست بزرگ نیروهای گُرد در زیلان و آرات، سرنوشت جنگ را به‌طور مشخص به نفع نیروهای ترک تعیین نمود، البته زدوخوردها در سراسر سال ۱۹۳۱م. هم ادامه یافتند و به خصوص دولت ایران نیز به منظور سرکوبی گُردهای جلالی بسیار فعالانه وارد عمل شد» (ارفع، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

### شورش درسیم در سال ۱۹۳۸-۱۹۳۶م.

درسیم از سال ۱۹۲۵م. یکی از مراکز اصلی جنبش‌های مسلحانه در کردستان ترکیه بود؛ از این رو، حکومت آنکارا که به طور جدی برنامه تسلط کامل بر کردستان و تحلیل‌بردن گُردها را تعقیب می‌کرد، نمی‌توانست به این آخرین قلعه مستحکم مقاومت کردستان حمله نیاورد، به ویژه اینکه طبق قانون مصوب پانزدهم اردیبهشت سال ۱۹۳۲م، درسیم جزو منطقه‌ای از کردستان به‌شمار می‌آمد که می‌بایست از سکنه به کلی تخلیه شود. «محاصره نظامی درسیم

۱. گذرگاهی که کوه آرات بزرگ را از آرات کوچک جدا می‌کند.

در سال ۱۹۳۶م. با اعلام حکومت نظامی در درسیم آغاز گردید و فرماندار نظامی به نام ژنرال آلدوغان بلافاصله به ایجاد راه‌های نظامی و استقرار پادگان‌ها پرداخت. سپس اعلامیه‌ای صادر کرد و خواستار تحویل دادن ۲۰۰ هزار قبضه تفنگ از سوی مردم منطقه به مقامات نظامی ترک گردید و همه اینها را با پرواز دایمی و منظم هواپیماهای نظامی ترک بر فراز منطقه به‌منظور ایجاد رعب همراه ساخت. مردم درسیم که به‌خوبی از سرنوشت مناطق دیگر کردستان، سرکوب‌های خشونت‌آمیز، اعدام‌ها و تبعیدهای دسته‌جمعی، مالیات‌های طاقت‌فرسا و اعزاز به اردوگاه‌های کار اجباری جهت ایجاد راه‌ها و بناهای نظامی خبر داشتند و می‌دانستند که نتیجه به هر حال نابود و بر باد رفتن زندگی آنها است، تصمیم به مبارزه و مقاومت تا آخرین نفر گرفتند. رهبری جنبش مقاومت را هم سید رضا، شیخ عشیره شیخ حسام واقع در غرب درسیم برعهده گرفت» (بیات، ۱۳۷۴: ۸۰).

این جنگ به هیچ‌کدام از جنگ‌های دیگر ارتش در کردستان شباهت نداشت. در آن، نه جبهه مشخصی وجود داشت و نه برخورد بین واحدهای بزرگ با نفرات زیاد دیده می‌شد. یکی از راه‌هایی که حکومت ترک برای مقابله با مقاومت خلق درسیم به آن متوسل شد، توطئه‌گری و ایجاد اختلاف بین عشایر و قبایل گرد و ترورهای خائنه رهبران جنبش بود که باید اقرار کرد از این جهت به موفقیت‌های بزرگی دست یافتند. به‌خصوص اینکه ترور علی شیر سیاستمدار، ادیب، شاعر خلقی، مغز نظامی جنبش و دست راست سید رضا به دست یکی از برادرزاده‌های سید رضا به نام رهبر که در خفا به مزدوری ترک‌ها درآمد بود، ضربه بسیار بزرگی به جنبش مقاومت درسیم زد. مقاومت با شدت و حدت همچنان ادامه یافت، تا اینکه در اواخر تابستان خود سید رضا نیز دستگیر گردید و پس از یک محاکمه کوتاه، بالاخره در سال ۱۹۳۷م. به همراه پنج نفر دیگر از سران عشایر درسیم به دار آویخته شد. در جریان محاکمه، ترک‌ها سعی کردند سید رضا را عامل خارجی معرفی کنند و این بار پای شوروی را به میان بکشند. اما وی اعلام کرد که من به خانواده‌ای تعلق دارم که هیچ‌گاه به حرف خارجی‌ها گوش نداده است، خانواده من چندین قرن است که در راه هدف‌های میهن‌پرستانه و مصالح عالی ملت گرد مبارزه می‌کند، اما این مبارزه، بدبختانه تاکنون بی‌نتیجه مانده است. در پای چوبه دار اعلام داشت که من ۷۵ سال دارم و اکنون به دیگر شهدای کردستان می‌پیوندم؛ درسیم مغلوب شد، اما کردها و کردستان زنده خواهد ماند و جوانان گرد خوب می‌دانند که چگونه انتقام ما را بگیرند (کینان، ۱۳۹۸: ۶۰).

مقاومت مایوسانه مردم درسیم حتی پس از اعدام سید رضا نیز با وجود آنکه از سال ۱۹۳۶م. کاملاً در محاصره بودند و امکان دریافت هیچ‌گونه کمکی نداشتند، تا اواخر تابستان سال بعد هنگامی که آخرین دانه فشنگ‌شان به پایان رسید، ادامه یافت؛ سپس سرکوب وحشیانه آنان از سوی ترک‌ها ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفت. مردم درسیم را از خرد و درشت در غارهای متعدد کوهستانی انباشته و محبوس نمودند و پس از بستن راه‌های خروجی، زنده زنده در آتش سوزانده و یا در دود خفه کردند. همه جنگل‌هایی که محل پناه بردن فراریان بود، به آتش کشیده شدند، بدون آنکه به کسی امکان بیرون آمدن از آنان داده شود. بیش از ۵۰۰ تن از زنان و دختران جوان کُرد، برای اینکه به دست سربازان تُرک نیفتند، دسته‌جمعی خود را در رودخانه مونزور و دریاچه‌های منطقه غرق کردند. شمار قربانیان درسیم به‌طور کلی حدود چهل هزار نفر تخمین زده شده است (انتصار، ۱۳۸۵: ۱۷۰).

جنبش مقاومت درسیم آخرین جنبش مسلحانه چشمگیر کُردها در جمهوری ترکیه به‌شمار می‌آید. شدت عمل ترک‌ها از آن موقع تاکنون، امکان برپایی هیچ‌گونه عملیات مسلحانه قابل توجه دیگری به منظور دفاع از حقوق ملی کُردها در ترکیه را نداده است. حکومت آنکارا تا سال ۱۹۵۰م. در سراسر کردستان حکومت نظامی دائمی برقرار کرد و دیدار از تمامی مناطق واقع در شرق رود فرات را تا سال ۱۹۵۶م. برای خارجیان ممنوع اعلام کرد. کلمات کُرد و کردستان از فرهنگ لغات و کتاب‌های تاریخ حذف گشتند و به جای کُردها اصطلاح ترک‌های کوه‌نشین معمول گردید. استفاده از زبان کُردی حتی در موارد بسیار خصوصی ممنوع شد و برای تکلم به آن مجازات‌های سخت وضع گردید، اما همه این اقدامات همان‌طور که گفته شد، تنها مانع از بروز جنبش‌های مسلحانه وسیع گردید. (ارفع، ۱۳۷۷: ۱۶۸).

### اغتشاشات مرزی دولت ترکیه در ایران و تیرگی روابط دو کشور

یکی از سیاست‌های دولت ترکیه علیه ایران، تلاش برای ترویج اندیشه پان‌ترکیسم در ایران و به‌ویژه در آذربایجان بود. سیاستی که افزون بر وجه فرهنگی و تبلیغی‌اش با ایجاد آشوب در مرزهای ایران و نیز تجاوزهای نظامی در جهت تصرف مناطق مرزی ایران همراه بود. دولت ترکیه مقالاتی در جراید ترک‌زبان انتشار داد و سعی نمود با بهانه قرار دادن زبان ترکی اهالی آذربایجان، شرایط جدایی آنها از ایران و الحاق به مملکت خود را فراهم سازند (فرجی، ۱۳۹۱: ۳۰).

در نیمه اول سال ۱۳۰۰ ش. تحولات ترکیه و استمرار سیاست‌های قدیمی دولت عثمانی نسبت به کردهای ایرانی، از سوی دولت ترکیه بر کردهای ایرانی تأثیر زیادی داشت. دولت عثمانی و پس از آن دولت ترکیه تا پیش از آغاز شورش‌های گسترده در کردستان ترکیه، همچنان تحریکات عشایر کرد ایرانی را برای به آشوب کشیدن ایران به‌ویژه بخش غربی آذربایجان مدنظر داشتند. دولت ترکیه در سال ۱۳۰۳ ش. به تحریک برای ایجاد آشوب در ایران پرداخت و در صدد بود با ایجاد آشوب در ایران از دولت ایران در مورد مسائل مرزی امتیاز بگیرد. در شرایطی که شورش کردهای ترکیه وضعیت را در مرزهای ایران و ترکیه به شدت بحرانی کرده بود، مأموران ترکیه در صدد برآمدند تا عشایر کرد ایرانی را به اغتشاش در خاک ایران تحریک نمایند. در چنین شرایطی بود که در تابستان ۱۳۰۵ ش. اسماعیل آقا سیمیتقو از ترکیه به ایران بازگشت و در شهریور همین سال، شورش را بر ضد دولت ایران راه‌اندازی کرد. در نهایت سیمیتقو پس از شکست از حملات سرلشکر امیر احمدی، با همکاری نیروهای ترکیه به خاک ترکیه فرار کرد. از جمله مأموران ترکیه که به تحریک عشایر کرد ایرانی و ترغیب آنها به ترک تابعیت ایران و پذیرش تابعیت ترکیه می‌پرداخت، یاور حسام‌الدین بیگ، وابسته نظامی سفارت ترکیه در ایران بود. پس از شورش سیمیتقو و تلاش مأموران ترکیه برای ایجاد آشوب در بخش غربی آذربایجان، دولت ایران تصمیم گرفت که عشایر کرد ساکن در مناطق مرزی ایران و ترکیه را خلع سلاح کند. خلع سلاح عشایر کرد ایرانی مقیم مرز ایران و ترکیه با اوج‌گیری شورش کردهای ترکیه علیه دولت ترکیه مقارن شد و این رویدادها، مناسبات دو کشور را وارد مرحله جدیدی کرد. حل اختلافات ارضی دو کشور بر اساس دیدگاه دولت ترکیه و نیز استفاده از خاک ایران برای مبارزه با شورش کردهای ترکیه، ویژگی اصلی این دوره جدید از مناسبات ایران و ترکیه بود (بهمنی قاجار، ۱۳۹۰: ۶۰۴-۶۰۳).

از عوامل مهم که روابط ایران و ترکیه را تیره کرده بود، تجاوز ترکیه به روستاها و اراضی ایران بود. ترک‌ها در اوایل تشکیل حکومت جمهوری خود، مناطق بولاغ‌باشی<sup>۱</sup>، جوزر<sup>۲</sup> و قوری‌گل<sup>۳</sup> را تصرف نموده و با وجود اعتراض‌های رسمی ایران، حاضر به تخلیه آن مناطق نبودند، دلایلی را که ترک‌ها در مورد حقانیت خود ابراز می‌داشتند، این بود که مناطق یاد

<sup>۱</sup> از شهرهای مرزی ایران که مورد تصرف ترک‌ها قرار گرفت.

<sup>۲</sup> در تحدید حدود ۱۹۱۴ م. جزو ایران گردید، بعد از طرف دولت ترکیه اشغال شد.

<sup>۳</sup> در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی تبریز و در ۱۵ کیلومتری غرب شهر بستان‌آباد در مجاورت روستای یوسف‌آباد قرار گرفته‌است.

شده متعلق به دولت ترکیه است و کمیسیون سرحدی ۱۹۱۳م. را هم قبول نمی کردند و اعلام می کردند که آن کمیسیون تحت فشار روسیه و انگلیس تشکیل شده و مجلس ملی ترکیه آن را تصویب نکرده و اعتبار ندارد (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۵۱۸-۵۱۷).

از دیگر مناطق ایران که به تصرف نیروهای نظامی ترکیه درآمد و اعتراض مقامات بلندپایه ایران را به همراه داشت، روستاهای سیرو<sup>۱</sup> و سرتیک<sup>۲</sup> بودند که نیروهای ارتش ترکیه در آنجا پُست نظامی دایر کرده بودند. در پی این حادثه، وزارت امور خارجه ایران طی نامه‌ای اعتراض خود نسبت به تجاوز صورت گرفته از سوی نیروهای ترکیه به روستاهای یاد شده را اعلام نموده و خواستار تخلیه آن نقاط شد. تجاوزات صورت گرفته از جانب نیروهای ترکیه در شرایطی بود که طبق عهدنامه قسطنطنیه این مناطق متعلق به ایران بودند (دهنوی، ۱۳۸۶: ۴۴-۴۳).

در آبان ۱۳۰۵ش. وزارت امور خارجه ایران، طی مکاتبه‌ای که با سفیر ایران در استانبول کرد، ضمن یادآوری تجاوز ترک‌ها به مناطق بولاغ‌باشی، سیرو و سرتیک، توجه سفیر ایران را به تجاوز ترک‌ها در مناطق دیگر جلب نموده و ابراز می‌دارد که مقامات ترکیه به درخواست ایران مبنی بر تخلیه مناطق ذکر شده جوابی نداده‌اند و از سفیر ایران تقاضا می‌کند که اقدام لازم را در این زمینه انجام دهد؛ چرا که اشغال سرحد ایران تأثیر بسیار سوئی در محافل و افکار عامه دارد. تجاوز هواپیماهای ترکیه به خاک ایران در سال ۱۳۰۶ش. که منجر به مجروح شدن چند نفر گردیده بود، تجاوز به نقطه‌ای در حدود سردار بلاغی و آتش‌زدن آن محل در سال ۱۳۰۹ش. از سوی نیروهای نظامی دولت ترکیه-که اعتراض شدید وزیر امور خارجه وقت ایران، محمدعلی فروغی را در پی داشت- از دیگر حوادثی بودند که شدت اختلافات دو کشور را افزایش داد (مکی، ۱۳۸۴: ۱۳۰).

در اردیبهشت ۱۳۰۵ش. برای ابراز حُسن‌نیت و استحکام روابط مسالمت‌آمیز متقابل میان ایران و ترکیه عهدنامه ودادیه و تأمینیه میان دو کشور منعقد شد. در مقدمه این قرارداد آمده است که احتیاجات و وظائفی را که عصر حاضر برای ملتین ایجاد و ایجاد می‌نماید، در نظر گرفته و چون معتقد و جازم می‌باشند که تحکیم رشته دوستی و برادری موجود بین ایشان واجب است، لهذا مصمم شدند که شرایط مادی روابط صمیمی خود را روشن نمایند. در همین معاهده، انعقاد موافقتنامه‌های گمرکی و سرحدی و پستی پیش‌بینی

<sup>۱</sup> در تحدید حدود ۱۹۱۴م. جزء ایران گردید، بعد از طرف دولت ترکیه اشغال شد.

<sup>۲</sup> روستایی از توابع بخش مرکزی شهرستان هفتکل در استان خوزستان ایران است.

شد؛ ولی حوادث مرزی و اقداماتی که دولت ترکیه برای قلع و قمع کردها در مناطق سرحدی بین دو کشور انجام داد، باعث پیچیدگی اوضاع و تیره‌تر شدن روابط دو کشور مذکور شد. به این شرح که در مهر ۱۳۰۶ ش. دولت ترکیه طی یادداشتی با اظهار رنجش و در بیانیه شدیدالحنی روابط خود را با ایران به تیرگی کشاند. ترکیه در آن بیانیه ادعا کرد که عده‌ای از سربازان ترکیه توسط کردها در خاک ترکیه اسیر شده و به ایران برده شده‌اند و تقاضای آزادی اسیران را به همراه سلاح‌هایشان و پوزش از ترکیه در یک فرصت ۱۰ روزه داشت. پس از وصول بیانیه ترکیه که ایران را به قطع روابط سیاسی تهدید کرده بود، دولت ایران، محمدعلی فروغی را با اختیار تام، مأمور انجام مذاکرات و امضای قراردادهای مربوط به مسائل تحدید مرز و امنیت مرز نمود (اسناد معاهدات دو جانبه ایران با سایر دول، ۱۳۷۱: ۲۴-۲۱).

فروغی، سفیر ایران در ترکیه طی گزارش محرمانه خود به تهران از ملاقات و گفتگوی خود با رشدی بیگ، وزیر امور خارجه ترکیه در آنکارا به مسائل مشترک ایران و ترکیه اشاره کرده بود و ریشه آنها را طمع‌ها و خیالات روسیه دانسته و هشدار داده بود که باید در فرصتی که هم‌اکنون به دست آمده و روسیه تزاری از بین رفته، با هم همدل و هم‌رأی شویم؛ چرا که احتمال بازگشت روسیه به سیاست امپریالیستی وجود دارد. پس باید با هم موافقت کنیم تا هنگام بروز خطر از جانب روسیه بتوانیم جلوگیری کنیم. رشدی بیگ نیز این نظر فروغی را تأیید کرده بود در ادامه، فروغی مشکلاتی را که از سوی ترک‌ها ایجاد شده بود و مانع ایجاد روابط دوستانه ایران با آن کشور می‌شد، چنین برمی‌شمرد: یکی مسئله سرحدات است که پس از کشمکش‌های طولانی حل شده بود و حالا باز دولت ترکیه آن را تجدید می‌کند و حل شده نمی‌داند. دیگر، تجاوزاتی است که عشایر مرزی ترکیه به خاک ایران کرده و سلب امنیت می‌کنند (استادوخ: ۳۵، ۱۳۲۰ ش.). یکی هم بعضی اقدامات خارج از قاعده مأمورین شما است که باید جلوگیری نمائید. رشدی بیگ بر لزوم موافقت با ایران تأکید کرده و می‌افزاید: امنیت مرزهای ما برای ما مهم است، به‌طوری که مجبور نباشیم در مرزهای مشترک مان نیروی نظامی زیادی نگهداری کنیم و مخارج زیادی صرف کنیم؛ لذا انتظار همراهی شما را داریم. نظر ایران در ابتدای کار، تعیین حدود مرزها روی زمین است، اما باید اول تکلیف امنیت مرزها معین شود و چون می‌خواهیم به نتیجه برسیم، حاضریم در آن واحد، هر دو مسئله تأمین حدود و تعیین حدود را حل کنیم. فروغی ابراز کرده بود: تا مرزبندی جدید عملی نشود، امنیت مرز حاصل نخواهد شد. رشدی بیگ در پاسخ اعلام کرده

بود: «سرحد و پروتکل ۱۹۱۳ م. را به دلایل اساسی قبول نداریم. به علاوه، مجلس ما آن را تصویب نکرده و دیگر اینکه بعد از فروپاشی عثمانی، ما تمام پیمان‌های قبلی خود را با تمام کشورها از نو، تجدید کردیم و ایران نباید از تجدید پیمان‌ها با جمهوری ترکیه خودداری نماید» (دهنوی، ۱۳۸۶: ۶۶). اساس استدلال رشدی بیگ این بود که مبنای سرحد ایران و عثمانی از روی معاهده ارزروم بوده و این سرحد مطابق آن نیست. فروغی در پاسخ گفته بود: «قرارداد سرحدی» به تشخیص هویت مملکت مربوط می‌شود، مانند پیمان تجاری و سیاسی نیست که بتوان به میل خود لغو کرد. فروغی، در ادامه، موضوع حکمیت را به میان کشیده و می‌گوید: «وقتی دو دولت اختلافی دارند، اگر با هم کنار نیامدند یا باید به حکمیت رجوع کنند و یا جنگ کنند» (استادوخ: ۳۴، ۱۳۲۰ ش.). رشدی بیگ جنگ را رد می‌کند و می‌گوید: ما «هیچ تکلیف شاقی به شما نمی‌کنیم نه می‌خواهیم با اکراد جنگ کنید، نه خلع سلاح نمایید... فقط می‌خواهیم، شما نگذارید عشایر خودتان به خاک ما بیایند و عشایر ما را هم به خاک خودتان راه ندهید و اگر آمدند، در منطقه سرحدی نگاه ندارید، مثلاً صد کیلومتر و یا پنجاه کیلومتر دور کنید» (یغما، ۱۳۳۰: ۲۹۹-۲۹۶).

در گزارش محرمانه دیگری که فروغی از استانبول به مقامات بلندپایه ایران ارسال می‌کند؛ اعلام می‌کند: «چون در مورد بولاغ‌باشی دوباره وارد مذاکره شده، مقامات ترکیه مسئله آغری‌داغ<sup>۱</sup> و طایفه جلالی را مطرح کرده‌اند و مسئله تصفیه حدود و سرکوبی گردهای شورشی را برای خود حیاتی تلقی کرده‌اند» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۵: ۱۰). فروغی، با اشاره به این موارد به مقامات ایران توصیه می‌کند که: «واجب است ایران در هر صورت به فکر تأمین امنیت مرزها باشد و از کمک جلالی‌ها به گردهای شورشی ترکیه جلوگیری کند و مواظب باشد از جانب جلالی‌های ایران یا اتباع ترکی که به ایران آمده باشند، تعرض و صدمه به ترک‌ها وارد نیاید؛ چرا که با این اقدامات، روابط ما با ترکیه بسیار صمیمانه شده، مشکل هم حل خواهد شد» (یغما، ۱۳۲۸: ۱۴-۱۳).

### رفتار ایران در قبال شورش آزارات

همان‌طور که در بخش شورش آزارات بیان شد، یکی از دلایل انتخاب این منطقه به‌عنوان کانون جنبش، هم‌مرز بودن با ایران بود و آزارات کوچک، جزئی از خاک ایران به‌شمار

<sup>۱</sup>. کوه آغری‌داغ که با نام‌های نوح‌داغی و نیز آزارات مشهور است، عبارت است از دو قله کوچک و بزرگ آتشفشانی به ارتفاع ۵۱۵۶ و ۳۹۱۶ متر که در منتهی‌الیه شمال غربی ایران، غرب آذربایجان و شرق آناتولی قرار گرفته‌اند.



می‌آمد. تا قبل از شروع شورش آارات به سبب ادعاهای ارضی دولت ترکیه علیه برخی مناطق مرزی ایران، رابطه ایران و ترکیه شکننده بود. اما در سال ۱۳۰۵ش.، یک سال پیش از شروع شورش آارات، به‌منظور ابراز حُسن‌نیت و استحکام روابط مسالمت‌آمیز ایران و ترکیه، عهدنامه و دادیه و تأمینیه میان دو کشور امضاء شد.

همکاری ایل جلالی با قیام آارات باعث شد تا بر توان قیام‌کنندگان افزوده شود. در سال ۱۳۰۶ش. ممدوح شوکت بیگ سفیر ترکیه در ایران از دولت ایران تقاضا کرد تا به صورت هماهنگ دو دولت ایران و ترکیه به مواضع شورشیان حمله کنند. شورش آارات در ابتدا حمایت ضمنی حکومت رضا شاه را در ایران به دست آورده بود و در نتیجه، نیروهای احسان نوری قادر به عبور آزادانه به ایران و دریافت تدارکات از منابعی در کردستان و آذربایجان ایران بودند. ظاهراً رضا شاه قصد داشت با استفاده از کادر کردها، ترکیه را وادار به حل بعضی مناقشات ارضی به ایران نماید. دولت ایران در جواب دعوت دولت ترکیه به حمله نظامی به مواضع شورشیان گرد اعلام کرد که به‌شدت حرکت گرد زبان‌های ایران را زیر نظر گرفته و مراقب است تا از سوی آنها کمکی به شورشیان ترکیه نرسد (استادوخ: ۱۷-۱۳۰۶، ۲۱ش.). با شروع شورش، جنگ‌های خونین چهار ماه تمام ادامه یافت که چندان زیانی به کردها وارد نیاورد و بالعکس نیروهای ترکیه، روزبه‌روز تحلیل می‌رفتند. نیروهای احسان نوری پاشا که می‌توانستند از مرزهای ایران گذر کرده و آذوقه و تدارکات از نقاط دوردست تهیه نمایند، نیروی کافی فراهم آورده و به نبرد پرداختند. نظامیان ترکیه چون از عهده دفع آنها بر نمی‌آمدند، چند مرتبه از رضا شاه تقاضا کردند تا با اعزام نیرو برای سرکوب شورشیان موافقت کند، اما شاه به این کار راضی نشد.

در مهر ۱۳۰۶ش. بحران مرزی ایران و ترکیه به منتهی درجه خود رسید؛ زیرا دولت ترکیه بر این باور بود که نظامیان ترکی که توسط نیروهای آارات به اسارت در آمده بودند، در ایران نگهداری می‌شوند. به همین سبب، دولت ترکیه سفیر خود در ایران را احضار کرد، اما پس از توضیحات دولت ایران برای رفع اختلاف و از سرگیری مذاکرات مجدداً به تهران آمد. ادامه تمرکز نیروهای ترکیه در مرزهای ایران صورت تهدیدآمیز به خود گرفت. از ارتش سرخ بلشویک گروهان‌هایی به قسمت آذربایجان رفتند و در خاک ایران مستقر شدند. این عملیات و تهدیدها و فشارها، نشانگر این حقیقت بود که دولت ترکیه با نقشه نابودی کامل نیروهای احسان نوری پاشا می‌خواست ارتش خود را وارد آذربایجان کند و قسمتی از برنامه پان‌تورانیسم را اجراء کند. نظامیان ترکیه که مصمم بودند کار شورشیان را یکسره کنند و از

مرز ترکیه و ایران که در تحدید حدود سال ۱۹۱۳م. معین شده بود و از آزارات کوچک می‌گذشت، عبور کنند. بدین ترتیب نیروهای ترکیه قادر به محاصره نیروهای شورشی که در آزارات پناه بسته بودند، نبودند و شورشیان هر آن می‌توانستند به ایران بروند و از ایران کمک بگیرند. دولت ایران که موفق شده بود از شکست سیمیتقو به این سو، آرامش در کردستان ایران پدید آورد، مایل نبود نتایج و آثار این سیاست را با توسل به نیروی نظامی علیه شورشیان آزارات به خطر افکند؛ چرا که بسیاری از آنها خود وابسته به قبایل ساکن ایران بودند. با گسترش جنبش احسان نوری و تصرف بسیاری از مناطق حکومت ترکیه که قادر به جلوگیری از سرایت قیام به دیگر مناطق گردنشین نبود، اعتراضات بی‌شماری را به حکومت رضا شاه کرد و تقاضا نمود که استفاده شورشیان آزارات از سرزمین ایران به‌عنوان پایگاه انجام عملیات نظامی خود علیه نیروهای ترکیه منع شود (کینان، ۱۳۹۸: ۳۷).

دولت ایران به‌رغم پیمان‌هایی که با ترکیه داشت، نسبت به استقلال مناطق گردنشین ترکیه مخالفت نکرد. تنها قیدی که قائل بود، این بود که ارمنی‌های رابط بین سازمان‌های ارمنی و مقاومت گرد از ارامنه تبعه ایران نباشند. در مدت ادامه شورش، دولت ایران تماس خود را با ارامنه حفظ کرد و در ۱۳۰۸ ش. فرستادگان متعددی را به آزارات اعزام نمود. در این میان، دو دولت ایران و ترکیه یک رشته یادداشت تند و تلخ مبادله کردند و در مرداد ۱۳۰۹ ش. در تهران با نگرانی، امکان جنگ با ترکیه مطرح شد. در یکی از حمله‌های لشکر شمال ترکیه، گردهای شورشی به طرف مرزهای ایران عقب‌نشینی کردند. در این عملیات که گردهای جلالی و تعداد زیادی از گردهای ایران نیز مشارکت داشتند، سپاه ترکیه متحمل ضرر و زیان فراوانی شد؛ اما در نهایت به برتری رسید نیروهای احسان سپس با اجرای عملیات زمین‌سوخته تمام شهرها و روستاهای گردنشین را در منطقه به آتش کشید. با توجه به چنین وضعیتی که ایران هم با اشغال برخی مناطق مرزی خود روبه‌رو شده بود و هم مورد دستبرد عشایر گرد وابسته به دولت ترکیه قرار گرفته بود، دولت در دو زمینه داخلی و خارجی دست به یک‌سری اقدامات زد. از نظر داخلی، انتصاب امیرلشکر امیراحمدی به‌عنوان سرپرست امور قشونی و انتصاب علی منصور به‌عنوان والی ولایت آذربایجان در سال ۱۳۰۶ ش. از جمله نشانه‌های اعتنای دولت به تحولات آن منطقه است. با توجه به اشتغال دولت ایران در امور داخلی و انجام اصلاحات در سطح کشور و در پاسخ به درخواست‌های ترکیه بود که وزارت امور خارجه در یادداشتی به کاردار ایران در آنکارا از او خواست به دولت ترکیه اطمینان دهد که ایران با ترکیه همکاری خواهد کرد. سرانجام دولت ترکیه از طریق

دیپلماسی و دادن یک سری امتیازات، دولت ایران را از ادامه همکاری و کمک به مبارزات احسان نوری پاشا و ارمنی‌ها بازداشت. دولت ایران که مایل بود مناسبات حسنه‌ای با دولت ترکیه داشته باشد، از موضع گذشته خود نسبت به شورشیان آرارات برگشت و قشونی به ریاست سرهنگ حکمت‌علی خان نخجوان را برای جنگ با جلالی‌ها فرستاد و او نیز در ناحیه آرارات کوچک به قوای جلالی حمله کرد. قیام کردها علیه دولت ترکیه در سال ۱۳۰۹ ش. به اوج خود رسید و دولت ایران خواه‌وناخواه سیاست خود را با سیاست ترکیه هم‌سو کرد و کردهای جلالی مقیم منطقه واقع در بین آرارات و مرز شوروی را دسته‌جمعی کوچ داد. مذاکرات حکومت‌های ایران و ترکیه که دولت عراق نیز به سهم خود در آن شرکت داشت، منجر به هماهنگی و همکاری وسیع آنها در جهت سرکوب نیروهای آرارات گردید. بدین ترتیب، شورش آرارات که پس از شورش سیمیتقو و شورش شیخ سعید، آخرین حلقه شورش کردها در دو کشور ایران و ترکیه بود، با مساعدت و همراهی ایران پایان یافت. این مسئله در حالی صورت می‌گرفت که از بدو تشکیل سلسله صفویه، مناطق سرحدی کردنشین یکی از مسائل تعیین‌کننده در روابط میان سلسله‌های حاکم بر ایران و امپراتوری عثمانی بود و برقراری مناسبات دوستانه از کانال حل مسئله کردها می‌گذشت. سرانجام این مسئله در دوره پهلوی اول و همتای ترک او، مصطفی کمال با همکاری میان دو کشور حل‌وفصل گردید (نوری پاشا، ۱۳۷۸: ۸۳).

### جدایی آرارات کوچک از ایران

نیروهای ترکیه در خلال شورش آرارات به بهانه سرکوب کردها و اینکه نیازمند ورود به بخشی از خاک ایران در آن منطقه هستند، بدون مجوز و دلیل کافی خاک ایران را در کوه آرارات اشغال کرده و حتی پس از پایان یافتن شورش حاضر به تخلیه ایران نشدند. در ارتباط با همین وقایع، وزارت امور خارجه ایران در سال ۱۳۰۹ ش. طی یادداشت اعتراض‌آمیزی، سفیر ترکیه در تهران را مخاطب قرار داده و اعلام کرد که در همان ایام سرکوب کردها، دولت ایران از هر گونه همکاری با نیروهای ترکیه مضایقه نکرده و در عملیات بر ضد کردها شرکت کرد. اما مأموران ترکیه به این اندازه اکتفا نکرده، بعد از پایان سرکوبی کردهای شورشی در خاک ایران ماندند و با اینکه به تکرار از طرف دولت ایران به این قضیه اعتراض و تقاضای بازگشت نیروهای نظامی ترکیه به عمل آمد، ترک‌ها اقدامی نکردند. مقامات ایرانی نظر به رویه دوستانه، به امید اینکه این قضایا هنگام تعیین حدود مرزی حل خواهد شد، روش مصالحه‌آمیزی در پیش گرفتند، اما همچنان نیروی نظامی ترکیه در خاک ایران ماندند. ایران انتظار داشت که دولت ترکیه حقوق دولت ایران را رعایت

کند و نیروی نظامی خود را از خاک ایران و نقاطی که مالکیت ترکیه قطعی نشده بود، بازگشت دهد. اختلاف و مشاجره‌های مقامات سیاسی دو کشور در زمینه‌های مختلف، گواه بر آن است که سرکوب شورش آزارات با همکاری صمیمانه ایران با ترکیه صورت نگرفت و ایران ناخواسته تحت تأثیر مسائل کشور همجوار خود قرار گرفته بود ترکیه با وجود اعتراض مقامات ایران به اشغال شهرهای ایران توسط ترکیه هیچگونه توجهی نکرد و همچنان به حضور نیروهای خود در این مناطق ادامه می‌داد... . نیروهای ترکیه پس از اشغال کوه آزارات، خود را در موضع برتر دیدند و بر سر معاوضه این منطقه اصراری نداشتند، زیرا منطقه دلخواه خود را بدون هزینه تحت کنترل داشتند. دولت ایران اصرار داشت که کمیسیون سرحدی کار خود را آغاز کند و مسئله معاوضه را هرچه زودتر انجام دهد. کاردار نظامی ایران در پاریس به مقامات وزارت خارجه تذکر داد که قبل از رضایت به هرگونه معاوضه بایستی دولت ایران اصرار کند، نظامیان ترک، خاک ایران را تخلیه کنند، سپس بر سر میز گفتگو بنشینند. اما در این میان، امثال محمدعلی فروغی بر این باور بودند که دولت ترکیه چشم‌داشتی به خاک ایران ندارد (ارفع، ۱۳۷۷: ۱۷۷).

از آغاز سال ۱۳۱۰ش. دو هیأت ترکیه رسماً از ایران دیدار کردند. یکی از هیأت‌ها که ریاست آن با جلال بایار رئیس‌جمهور آینده ترکیه بود، موافقتنامه‌های اقتصادی و مالی با ایران امضاء کرد. توفیق رشید بیک وزیر امور خارجه وقت ترکیه به این منظور به ایران آمده بود که منطقه آزارات کوچک را در ازاء بخشی از خاک ترکیه و مشتمل بر ۶ روستای گردنشین از ایران بگیرد. دولت ایران به این شرط که دولت ترکیه مالکیت ایران بر قطور و روستای بارژگه<sup>۱</sup> را به رسمیت بشناسد، با این درخواست موافقت کرد. این در حالی بود که قطور، طبق معاهدات دو طرف، متعلق به ایران بود و بارژگه نیز فاقد اهمیت بود. با وجود این، حتی دولت ترکیه حاضر نشد این روستا را به ایران واگذار کند، بلکه تنها دره بارژگه را به ایران داد. این قرارداد از هر نظر به زیان منافع ایران تمام شد. همچنین بر اساس قرارداد ۱۳۱۰ش. دولت ایران تعهد داد که اجازه ندهد گردهای ترکیه از خاک ایران برای اقدامات نظامی علیه ترکیه استفاده کنند؛ در این معاهده خطوط مرزی تعیین شد (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۰۱).

در ابلاغیه رسمی دولت در باره قرارداد تعیین سرحدی یادشده که در بهمن ۱۳۱۰ش. انتشار یافت، اعلام شد که قرار است اختلاف‌نظرهای موجود را به این صورت حل کنند که «ایران در ناحیه آغری‌داغ، قطعه زمینی از کوهستان مزبور به دولت ترکیه واگذار کند و در

۱. این روستا در قرارداد مرزی ۱۳۱۰ش. به ایران بازگردانده شد.

عوض در ناحیه بارژ [بارژگه]، دولت ترکیه مقداری از اراضی خود را به دولت ایران تسلیم نماید. ضمناً در ناحیه قطور نیز که از سال‌های دور بین دولتین اختلاف بوده و سرحد مبهم مانده بود، دولت ترکیه حاضر شد که مقداری از اراضی متنازع‌فیه را به تصرف دولت ایران بدهد و خط سرحدی در آنجا هم مشخص گردد و اختلاف حدودی دولتین به کلی مرتفع شود. قرار شد یک کمیسیون سرحدی مشترک در بهار سال آینده ۱۳۱۳ ش. کار تعیین حدود را آغاز کند. کمیسیون تعیین حدود ایران و ترکیه، پس از مدتی وقفه در اواخر سال ۱۳۱۱ ش. کار خود را آغاز کرد و کار تعیین حدود و نشانه‌گذاری مرزی را از رودهای ارس و قره‌سو آغاز و تا اواسط سال ۱۳۱۲ ش. در کوه دالانپیر<sup>۱</sup>، مرز مشترک ایران و ترکیه و عراق پایان داد. بر اساس این قرارداد، آراوات کوچک که در خلال لشکرکشی ترک‌ها بر ضد قوای احسان نوری به تصرف نظامیان ترک درآمد بود، به دولت ترکیه واگذار شد. در مقابل، دولت ترکیه از ادعاهای خود بر ناحیه قطور که اصولاً بر اساس پروتکل ۱۹۱۳ م. به ایران واگذار شده بود، دست شست. منظور از مقدار اراضی ناحیه بارژگه که به گفته ابلاغیه سوم بهمن، ترک‌ها به ایران داده‌اند نیز بخشی از مناطق جنوب بارژگه (حدود جنوبی علائم سرحدی ۱۴۷ و ۱۴۸ در موازات تقریبی شمال ارومیه) است» (بیات، ۱۳۷۴: ۱۵۹-۱۵۸). به هر روی، انعقاد قرارداد سرحدی بهمن ۱۳۱۰ ش./ژانویه ۱۹۳۲ م. فصل جدیدی از مناسبات دوستانه را برای دو کشور به ارمغان آورد. در آبان ۱۳۱۵ ش. جمال حسنو به همراه هیئت اعزامی ترکیه به ایران سفر کرد و وزیر خارجه ایران در سخنرانی خود در میان هیئت اعزامی ترکیه گفت: «مناسبات ایران و ترکیه هیچگاه بهتر و حتمی‌تر از امروز نبوده و این رابطه حسنه با انعقاد قرارداد تحدید حدود ۱۹۳۲ م. و همچنین عهدنامه‌هایی که در همان سال بین ایران و ترکیه بسته شد، به کلیه اختلافاتی که مناسبات حُسن همجواری بین دو کشور را مختل می‌کرد، خاتمه قطعی داده و زمینه همکاری ایران و ترکیه را در مسائل سیاسی، اقتصادی و معنوی فراهم نموده است. با هر دلیل و توجیهی که بود، آراوات کوچک از خاک ایران جدا شد و خط مرزی جدید ایران و ترکیه ترسیم و اختلافات دو کشور نیز خاتمه یافت (روزنامه اطلاعات، ۱۳۱۵: ۴).

مورد دیگر توافقات ایران و ترکیه در مسائل مرزی، اصلاح خط مرزی ایران و ترکیه در سال ۱۹۱۶ م. بود. هنگام تحدید مرزهای ایران و ترکیه در سال ۱۳۱۰ ش. در قسمتی از مرز نزدیک ماریشوو، اجرای خط مرزی بر اساس قوانین قرارداد سرحدی سال یادشده با وضع زمین مطابقت نکرد. به این دلیل، آن قسمت از مرز، تحدید و علامت‌گذاری نشد. سرانجام در ۵

<sup>۱</sup>. در نقطه مرزی سه کشور ایران، ترکیه و عراق واقع شده است.

خرداد ۱۳۱۰ ش. موافقتنامه‌ای برای اصلاح این قسمت از مرز، میان نمایندگان دو کشور امضاء شد که در خرداد ۱۳۱۶ ش. به تصویب مجلس ملی کبیر ترکیه رسید و هیچ اختلافی در وضعیت مرز و جایگاه علائم میان ایران و ترکیه وجود نداشت (استادوخ: ۸-۳۳-۱۳۲۰ ش.).

### پیمان سعدآباد

با انقراض سلسله قاجاریه و تشکیل حکومت پهلوی، در کشور ترکیه جمهوری آتاتورک، در عراق حکومت دست‌نشانده ملک فیصل و در افغانستان امان‌الله خان روی کار آمدند که هر کدام به نوعی در جهت سیاست انگلیس حرکت می‌کردند (امینی، ۱۳۸۲: ۲۶۰). متعاقب سفر رضا شاه به ترکیه قرار بود آتاتورک هم به ایران مسافرت نماید. این اقدامات جهت عقد پیمان منطقه‌ای جریان داشت تا اینکه بالاخره سه سال بعد، در سال ۱۳۱۶ ش. پیمان چهارگانه به نام سعدآباد بسته شد. این پیمان در تاریخ ۱۷ تیر ۱۳۱۶ ش. بین کشورهای ایران، ترکیه، عراق و افغانستان منعقد شد. در ۱۰ ماده بود که در بند ۷ این عهدنامه هر یک از دول متقبل می‌شوند در حدود سرحدات خود از تشکیل و یا عملیات دسته‌جات مسلح و ایجاد هر گونه هیئت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجود و یا اختلال در نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاهد دیگر و واژگون ساختن حکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند. پس از امضای پیمان سعدآباد، رضا شاه طی نطقی که به مناسبت افتتاح مجلس یازدهم شورای ملی ایراد کرد، اظهار داشت: «پیمان سعدآباد در مشرق زمین بی‌سابقه بود و در این هنگام که امور عالم مشوش است، مدد بزرگی به بقای صلح جهانی خواهد بود (مکی، ۱۳۸۴: ۳۶۳/۶) پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان حکومت ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بود؛ زیرا قسمتی از آراارات که دارای موقعیت سوق‌الجیشی بود، به ترکیه واگذار گردید. گذشت زمان نیز نشان داد که پیمان سعدآباد تا آنجا که به ایران مربوط می‌شد، در هنگامه جنگ جهانی دوم و تغییر بلوک‌بندی و اتحاد انگلیس و شوروی عملی نشد و نتوانست رسالت اولیه خود را به انجام برساند و در جریان حوادث سال ۱۳۲۰ ش. هیچیک از هم‌پیمانان ایران به یاری کشور ما نشتافتند و پیمان سعدآباد بیهودگی خود را به اثبات رساند (مکی، ۱۳۸۴: ۱۴۶/۶-۱۴۴). پیمان سعدآباد زائیده شرایط پس از جنگ جهانی اول بود؛ در این سال‌ها بریتانیا بر ایران و بخش بزرگی از خاورمیانه نفوذ داشت. این پیمان سنگ‌بنای پیمان بغداد شد و به مانند پیمان‌های دیگر هیچ سودی عاید ایران نکرد.

## نتیجه‌گیری

با سقوط امپراتوری عثمانی، جمهوری ترکیه نوین به رهبری مصطفی کمال پاشا معروف به آتاتورک با ایدئولوژی پان‌ترکیست جایش را گرفت. در سیستم نوین هویت، زبان، فرهنگ و تاریخ کردها به کلی انکار شد. سخن گفتن به کردی ممنوع شد و کردها را ترکان کوهستانی نامیدند. در صورتی که کردها با تمام اتفاقاتی که در دوران پساعثمانی اتفاق افتاد، نسبت به بی‌مهرهای حکومت مرکزی با توجه به وعده‌های داد شده، صبوری به خرج دادند و این رفتار دولتمردان جمهوری جدید ترکیه، باعث مقابله کردها شد. رفتار آتاتورک، باعث خیزش کردها شد و در طول حکومت او مشکلات بسیاری برایش به‌وجود آورد. ایران نیز به دلیل هم‌مرز بودن با ترکیه و وجود اقوام کرد از این حوادث بی‌تأثیر نماند. در این زمان، در ایران دولت پهلوی تازه روی کار آمده بود و شورش‌های داخلی ترکیه به درون مرزهای ایران نیز کشیده شد که این اتفاقات باعث تیرگی روابط دو کشور شد. اما به دلیل اینکه دو کشور برای تحکیم قدرت خود و انجام اصلاحات داخلی و نوسازی، نیازمند صلح در داخل و خارج بودند، اصول سیاست خارجی خود را بر پایه اتخاذ سیاست حُسن همجواری با همسایگان و بر مبنای روابط صلح‌آمیز قرار داده بودند. بر پایه همین سیاست بود که دولت ایران با بستن قراردادهایی با ترکیه و واگذاری بخش‌های مهم از کشور سعی کرد که روابط دوستانه‌اش را با همسایه خود حفظ کند. دیپلماسی حکومت پهلوی اول نتوانست در برابر شرایط حساس منطقه به صورت قدرتی نوظهور و باثبات عمل کند و این عملکرد ضعیف و گوشه‌گیری سیاسی نسبت به همسایگان غربی به دوران پهلوی دوم هم کشیده شد.

## منابع و مآخذ

### اسناد:

آرشیو اداره نگهداری اسناد وزارت امور خارجه

اسناد سال ۲۱-۲۰-۱۷-۱۳۰۶ ش.

اسناد سال ۳۳-۳۸-۱۳۲۰ ش.

### کتاب‌ها:

احمدی، حمید، ۱۳۸۰، *روابط فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و همسایگان*، مطالعه موردی: ترکیه، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

- ارفع، حسن، ۱۳۷۷، در خدمت پنج سلطان، ترجمه: سید احمد نواب، تهران: مهرآئین.
- امیراحمدی، احمد، ۱۳۷۳، *خاطرات نخستین سپهبد ایران/ احمد امیراحمدی*، به کوشش: غلامحسین زرگری نژاد، تهران: آرمان.
- انتصار، نادر، ۱۳۸۵، *مافیای قدرت و دفن دموکراسی*، ترجمه: عرفان قانعی فرد، تهران: مؤلف.
- اندجانی، جهانگیر و کارو ساسانی، ۱۳۹۴. *دانشک- خویبون، نگاهی به هم‌پیمانی ارمنی‌ها و کردها در شورش آزارات (۱۳۰۹-۱۳۰۷ش)*، به کوشش: کاوه بیات، تهران: شیرازه و پردیس دانش.
- بلو، ژویی، ۱۳۷۹، *بررسی جامعه‌شناسی و تاریخی مسئله گُرد*، ترجمه: پرویز امینی، تهران: فکر نو.
- بهمنی قاجار، محمدعلی، ۱۳۹۰، *تمامیت ارضی ایران سیری در تاریخ مرزها*، جلد اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- امینی، علیرضا، ۱۳۸۲، *تاریخ روابط خارجی ایران در دوران پهلوی*، تهران: صدای معاصر.
- بیات، کاوه، ۱۳۷۴، *شورش کردهای ترکیه و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران ۱۳۱۰-۱۳۰۷*، تهران: تاریخ ایران.
- پارسادوست، منوچهر، ۱۳۶۹، *ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق ۱۵۱۴-۱۹۸۰*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- دهنوی، نظامعلی، ۱۳۸۶، *اسنادی از روابط ایران و ترکیه ۱۹۳۷-۱۹۲۲*، تهران: وزارت امور خارجه.
- شرفکندی، صادق، ۱۳۹۲، *رضا شاه*، تهران: روزنه.
- فرجی، مهدی، ۱۳۹۱، *بررسی مسائل ارضی ایران و ترکیه در دوره رضا شاه ۱۳۲۰-۱۳۰۴ش*، فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و دوم، صص ۴۵-۱۸.
- کینان، درک، ۱۳۹۸، *گُرد و کردستان*، ترجمه: پرویز امینی تهران: نگاه.
- مکی، حسین، ۱۳۸۴، *تاریخ بیست ساله ایران*، جلد ۶، تهران: ناشر.
- وزارت امور خارجه، ۱۳۷۱، *اسناد معاهدات دوجانبه ایران با سایر دول*، تهران: وزارت امور خارجه.

### نشریات:

- روزنامه اطلاعات، ۹ آبان ۱۳۱۵، سال یازدهم، شماره ۲۹۵۱.
- مجله یغما، فروردین ۱۳۳۰، سال چهارم، شماره ۱.